

ابوالقاسم خان قرگزلو
همدانی (مشیر حضور -
ناصر الملك -
نایب السلطنه)



(تنها رئیس الوزرائی که انگلیس ها نجاتش دادند و بعد هم نایب السلطنه شد)

پس از کشته شدن میرزا علی اصغر خان امین السلطان ، محمد علیشاه قاجار میرزا احمد خان مشیر السلطنه را ریاست وزرائی داد ولی مشیر السلطنه و کابینه او طرف میل نمایندگان مجلس قرار نگرفت و بهمین جهت پس از دو ماهی جای خود را به ابوالقاسم خان ناصر الملك داد نامبرده فرزند احمد خان سرتیپ (فوج فجران) و نوه محمودخان (۱) ناصر الملك فرمانفرما است .

(۱) محمود خان ناصر الملك فرزند (محمد حسین خان قرگزلو داماد عباس میرزا نایب السلطنه) از رجال معروف دوره سلطنت قاجاریه است که دارای لقبهای مشیر خاص حضور همایون - ناصر الملکی - و فرمانفرما بوده است . پس از عزل میرزا آقاخان نوری از صدارت و انتخاب شش وزیر برای شش وزارتخانه ناصر الملك در ۱۲۷۶ ه . ق وزیر تجارت و صنایع شد و از این تاریخ عده وزیر به ۷ نفر رسید در ۱۲۷۹ ه . ق وزیر مختار ایران انگلستان در ۱۳۰۱ ه . ق وزیر خارجه شد .

شروع کار ابوالقاسم خان با عنوان نایب آجودان شاه در سال ۱۲۸۸ هـ. ق است پس از آن بسرهنگی (قوج فجران) تحت امر پدرش میرسد و بعد در دومین سفر ناصر الدینشاه باروفا محمود خان ناصر الملك باکسب اجازه از شاه قاجار نوه خود را به همراه میبرد و برای تحصیل بانگلستان گسیل میدارد ابوالقاسم خان در مدت شش سال در دانشگاه اکسفورد رشته حقوق سیاسی را می‌بیند و وابسته سفارت ایران در لندن میشود و در ۱۳۰۰ هـ. ق بنه نیابت سفارت فوق العاده بدر بار هلند و آلمان رفته و در سال ۱۳۰۱ هـ. ق مجدداً وارد خدمت در باری میگردد و در ۱۳۰۲ هـ. ق بر حسب درخواست جدش از ناصر الدینشاه لقب مشیر حضور دریافت میدارد و گاهی به ترجمه بعضی آئین نامه‌ها و قوانین میپردازد تا اینکه پس از فوت محمود خان ناصر - الملك در ۱۳۰۵ هـ. ق تمام مناصب و مشاغل که جدش داشت و همچنین لقب ناصر الملكی به او میرسد و با اینکه معمول بود که شاه ثروت اعیان و اشراف را پس از مرگشان ضبط میکرد و بواسطه ارتباط و بستگی هر دو ناصر الملك به انگلیس‌ها چیزی از اموال آنان بر نداشت و ابوالقاسم خان ناصر الملك را صاحب مطلق ثروت محمود خان جدش شناخت. ناصر الملك در دربار روزنامه‌های خارجی را برای ناصر الدینشاه ترجمه میکرد و همچنین به ترجمه خطابه‌های سفرای بیگانه و جواب شاه با آنان میادرت میوزید. وی پس از قتل ناصر - الدینشاه برای اعلام سلطنت مظفر الدینشاه بدر بار عثمانی و انگلستان رفت و در ۱۳۱۴ هـ. ق مدتی رئیس قورخانه و بالاخره در صدارت میرزا علی خان امین الدوله وزیر مالیه شد و کلیه درآمدهای مالیاتی و گمرکی و پست و تلگراف را در خزانه جمع آوری نمود و با برکناری امین الدوله بحکم اتابک صدر اعظم مظفری بحکومت کردستان منصوب و پس از استعفای اتابک برای بار دوم در زمامداری عین الدوله وزیر مالیه شد و تا اندازه‌ای که مقدرش بود در اصلاح امور مالی کوشید و پس از اعلام حکومت مشروطه در اولین دولت مشروطه که صدارت آن با میرزا نصراله خان مشیرالدوله نائینی بود

برای مرتبه سوم بوزارت مالیه منصوب گردید و همینطور در دو کابینه بعدی یعنی کابینه میرزا سلطانه‌علی خان وزیر افخم و میرزا علی اصغر خان امین - السلطان پست وزارت مالیه را برای خود حفظ نمود و در کابینه کوتاه مدت اتابک وزارت مالیه را سازمان داد و به عمارت پشت باغ گلستان منتقل کرد اما با کشته شدن رئیس دولت وزمامداری میرزا احمد خان مشیرالسلطنه برای مدت کوتاهی ناصر الملك از کارکناره گرفته تا اینکه برحسب تمایل مجلس و بجهت بی میلی نمایندگان ملت به مشیرالسلطنه، کابینه ناصر الملك روی کار آمد و در ۱۸ رمضان ۱۳۲۵ ه . ق هیئت دولت خود را پس از معرفی بشاه بشرح زیر به مجلس شورای ملی معرفی نمود :

رئیس الوزراء و وزیر مالیه	ناصر الملك
وزیر عدلیه	مهدیقلی خان مخبرالسلطنه
وزیر خارجه	میرزا حسن خان مشیرالدوله
وزیر جنگ	میرزا حسن خان مستوفی الممالک
وزیر علوم و فوائد	مرتضی قلی خان صنیع الدوله
وزیر تجارت	میرزا حسین خان مؤتمن الملك
وزیر داخله	غلامرضا خان آصف الدوله

که بجز آصف الدوله شاهسون وزیر داخله تمام اعضای کابینه از آزادیخواهان و شخصیت‌های مورد اعتماد مردم بودند . از و قیام مهم دوران این کابینه قرار دادی بین روس و انگلیس در ۱۹۰۷ منعقد و ایران بدو منطقه نفوذ دولتهای مذکور تقسیم شد . وزیر خارجه (میرزا حسن خان مشیرالدوله) نامه نسبتاً تندی بمسترمارلینگک نماینده دولت انگلیس در ۲۵ رمضان ۱۳۲۵ ه . ق برابر ۲ نوامبر ۱۹۰۷ نوشت و اعلام داشت که « قرار داد فوق الذکر چون مابین دولتین انگلیس و روس انعقاد یافته لهذا مواد آن قرار داد فقط تعلق بخود دولتین مذکور که امضای آنها نموده‌اند خواهد داشت و دولت ایران نظر باستقلال تامه که بموهبت الهی داراست تمام حقوق و آزادی خود را که بدان واسطه استقلال مطلقه را متصرف است از هر نفوذ و اثری که نتیجه هر

قسم قرار داد منعقدہ فیما بین دو یا چند دولت دیگر راجع بایران بوده باشد کاملاً و مطلقاً مصون و آزاد میدانند، ناصر الملک با همکاری مجلس برای هر وزارتخانه در مجلس کمیسیونی تشکیل داد و یکی از کمیسیونها که کمیسیون مالی باشد با همکاری دولت به تعدیل بودجه و کسر حقوقها و قطع مستمریها پرداخت که از این جهت تحریکاتی علیه دولت صورت گرفت.

از دیگر وقایع این دوران ایراد سوگند محمدعلیشاه در مجلس شورای ملی و تمهد اینکه هم خود در راه استقلال و اساس مشروطیت ایران و سلطنت طبق قوانین مقررہ مصرف نماید که بعداً عهد بسته راکست و خلاف سوگند قدم برداشت و یکی از مظاهر این اقدام واقعه میدان توپخانه و گرفتاری ناصر - الملک و اعضای کابینه اوست. تقی زاده میگوید در واقعه میدان توپخانه « محمدعلی شاه همه وزراء را با رئیس الوزراء که ناصر الملک بود احضار کرده و توقیف نمود ناصر الملک را بنا بگفته خود او حبس نموده و حتی مشارالیه وحشت و سوءظن پیدا کرده بود که می خواهند قصد جان او را بکنند و سفارت انگلیس اقدام باستخلاص او کرد و او مرض و روانه اروپا شد ولی پس از مدتی برای جلب قلوب مردم شاه تلگرافی باو درپاریس مخایره کرده که بنا بر دعوی حاج مفاخر الدوله نبوی وی آن را انشاء نموده بود و آن شعری بود گویا از شمس تبریزی بدین مضمون :

ناصر الملک « هله نومید نباشی که ترا شاه براند - گرت امروز براند نه که فردات بخوانند - در اگر بر تو ببندد برو و صبر کن آنجا - به سر صبر ترا او بسر صدر نشاند » .

بهر ترتیب ناصر الملک با اروپا رفت و حسینقلی خان نظام السطنه مافی مأمور تشکیل دولت شد و پس از آن برای بار دوم میرزا احمدخان مشیر السطنه رئیس الوزراء گردید که با کابینه بمبارانش بساط مجلس اول را برچید و مظاهر آزادی را بدستور شاه قاجار از بین برد ولی محمدعلیشاه که با شتاب خود پی برده بود برای جلب رضایت مردم ناصر الملک را بزمامداری مجدداً دعوت کرد و میرزا جوادخان سعدالدوله وزیر خارجه را کفالت ریاست وزرائی داد تا

ناصر الملك بايران آمده قبول كار كند ولي ناصر الملك كه اين اوقات در اروپا بود راضی بآمدن ايران نشد و سعدالدوله (۱) با ترمیمی كه در كابينه كرد و بجای میرزا حسن خان مشیر الدوله ، میرزا حسن خان محتشم السلطنه را آورد بكار (۱) كابينه دوم ناصر الملك كه رئیس الوزرایش بايران نیامد و قبول كار نكرد از اشخاص زیر تشكيل شده بود .

رئیس الوزراء	ابوالقاسم خان ناصر الملك
وزیر عدلیه	میرزا حسن خان مشیر الدوله
كفیل ریاست وزراء و وزیر امور خارجه	میرزا جواد خان سعدالدوله
وزیر داخله	عبدالحسین میرزا فرمانفرما
كفیل وزارت مالیه	میرزا عبداله خان همدانی (حاج امیر نظام)
وزیر جنگ	میرزا حسن خان مستوفی الممالك
وزیر علوم و اوقاف	میرزا حسین خان مؤتمن الملك
وزیر فواید عامه و تجارت	نظام الدین كاشی مهندس الممالك
وزیر پست و تلگراف	حسینقلی خان مخبر الدوله

كفیل ریاست وزراء میرزا جواد خان سعدالدوله پسر حاج میرزا جبار ناظم المهام است كه در تفلیس به تحصیل فن تلگراف و آموختن زبان فرانسه پرداخته بود شروع كارش از دستگاه تلگرافخانه و ریاست مدرسه مظفری تبریز بود دوبار بعنوان نماینده ایران در اكسپوزیسیون وین و پاریس شرکت كرد مدتی هم وزیر مختار ایران در بلژیک شد در صدارت عین الدوله وزیر تجارت گردید و در دوره اول مجلس شورای ملی نماینده مجلس و پیش آهنگ اعتراض علیه مسیونوز بود و بواسطه همصدائی با مردم لقب ابوالمله گرفت اما پس از مدتی جانب مستبدین را گرفت در كابينه اول و دوم مشیر السلطنه وزیر خارجه و سپس در كابينه دوم ناصر الملك كفیل ریاست وزراء و وزیر خارجه شد و بنا باظهار آقای سید مهدی فرخ « حتی حكم ریاست وزرائیش هم صادر شد » ولی بهر حال چون بمجلس معرفی نشد و بعلاوه اصل فرمان هم در دست نیست ریاست وزرائیش مورد تردید است و نمیتوان او را در ردیف رؤسای دولت های عصر مشروطیت آورد .

خود ادامه داد تا اینکه تهران بدست مجاهدین فتح شد و محمد علیشاه از سلطنت خلع و احمدشاه به نیابت علیرضاخان عضدالملک بر تخت سلطنت نشست سپس انتخابات دوره دوم مجلس شورای ملی انجام و مجلس دوم هم افتتاح گردید. در عمر مجلس دوم عضدالملک فوت کرد و مبارزه سختی در پارلمان ایران برای تعیین نایب السلطنه جدید در گرفت گروه اقلیت دموکرات میرزا حسن خان مستوفی - الممالک را کاندیدای خود کرده بودند و اعتدالیون و بیطرفان مجلس که دارای اکثریت بودند از ابوالقاسم خان ناصر الملک حمایت میکردند که بالاخره رأی اکثریت کار خود را کرد و ناصر الملک به نیابت سلطنت از طرف مجلس ایران انتخاب و پس از شش ماهی که از اخذ این رأی گذشت در تاریخ ۱۲ صفر ۱۳۲۹ هـ. ق از اروپا بایران آمد و امور را در دست گرفت تا سال ۱۳۳۲ هـ. ق نایب السلطنه بود، ناصر الملک در آغاز ورود بیانیه‌ای منتشر و در آن بیانیه از اصول پارلمانی و حکومت حزبی بشیوه اروپا بحث نموده و در مجلس آنروز رسماً دو حزب دموکرات (۱) و اعتدالی تشکیل شد که ناصر الملک حمایت از اعتدالی‌ها را شیوه کار خود قرارداد و مبارزه با اقلیت دموکرات را شروع کرده و کار این مبارزه با آنجا رسید که در محرم ۱۳۳۰ هـ. ق مجلس دوم را منحل نمود و دیگر انتخابات را بمدت سه سال و کسری تجدید نکرد و طی این مدت با مطلق العنانی بحکومت بدون مجلس خود ادامه داد و جمعی از رؤسای دموکراتها و روزنامه نویسان را بقم تبعید نموده و دیکتاتوری مؤدبانه، خود را بدون مجلس قانونگذاری ادامه داد تا اینکه سفری باورپا کرده و بگفته نویسنده رهبران مشروطه «در رجب ۱۳۳۲ هـ. ق ناصر الملک که از تشنج اروپا و امکان بروز جنگ جهانی مستحضر بود شتابزده بسایران

(۱) - دو گروه دموکرات و اعتدالی در شروع دوره دوم در مجلس خودنمایی میکردند و در جریان انتخاب نایب السلطنه مبارزات آن بخوبی مشهور بوده ولی با ورود ناصر الملک صف آرائی آنها بصورت جدی تری جلوه گری مینمود.

آمد و آگهی انتخابات عمومی دوره سوم را که در اعلام انتخابات کندی میوزید صادر کرد، البته در خلال این مدت احمد شاه بسن بلوغ رسیده تاجگذاری کرد و با اینکه یکسال دیگر از دوران نیابت سلطنتش باقی مانده بود در هسپاراروپا شد و تا سال ۱۳۴۵ ه. ق. برابر ۱۳۰۵ خورشیدی در آنجا میزیست تا اینکه در این سال بایران بازگشت و در سال ۱۳۴۶ ه. ق. در سن ۴۶ سالگی در گذشت. ابوالقاسم خان ناصر الملك سیاستمداری تحصیلکرده، محتاط، ورزیده، مبتکر (۲)

(۱) ملك الشعراء بهار از مؤسسين وليدران حزب دموكرات بشمار ميرفت تركيب بندي كه ضمناً تضميني از اشعار معروف مولانا جلال الدين رومي است ساخت و از ناصر الملك بسختي انتقاد كرد كه چند بيت برگزيده آن چنين است .

ناصر الملك آمد و مسند ربود باوزيران پيل بازيها نمود

* *

ناصر الملك از طبابت های خویش از دواهایش شفا نامد پدید
این چنین بر خستگان بخشود بود
وین مریض از آن کسل تر شد که بود

* *

این وزیران کاروان غفلتند ناصر الملك است پیش آهنگشان

* *

این وزیران از کهین و از مهین لعنت الله عليهم اجمعین

۲- عارف گوید : این سخن با که توان گفت که والا حضرت - در

نیابت روش حضرت والا دارد .

از ناصر الملك دو پسر بنامهای محسن و حسینعلی قرگزولو و يك دختر

بنام فاطمه که همسر مرحوم حسین علاه میباشد باقی مانده است .

ضمناً آثار مکتوبی هم از او باقی مانده که ترجمه کتابهای تاریخ نادر بامختصری از تاریخ مغول نوشته جیمز فریزر و داستان تاجرو نیززی و نمایشنامه اتللو مغربی اثر شکسپیر از آن جمله است .

و راحت طلب بوده مرحوم عباس اقبال آشتیانی معتقد است که ناصر - الملك هیچ وقت نسبت بمشروطیت صفاوصمیمیت نداشته ایران را لایق آزادی نمیدانست ، و نویسنده رهبران مشروطه میگوید « ناصر الملك سیاستمداری مایوس از ترقیات ملك وملت بود . وی در افسوس و ربه عضویت فراماسونری پذیرفته شد و تا درجه استادی در لژ بیداری ایرانیان پیشرفت کرد و مورد احترام میرزا ملکم خان بوده و مدال g-c-m-g جی - سی - ام - جی) از دولت انگلیس را دارا بود .

سازمان جدید وزارت مالیه و روش تازه مالیاتی و تمرکز درآمد مملکت و تنظیم بودجه از کارهای برجسته او قبل از رسیدن به نیابت سلطنت است در دوره ای که نایب السلطنه بود شیوه دوحزبی را در ایران تقویت و پی ریزی نمود و دیگر کار چشم گیری انجام نداد و التیماتوم روسها نسبت به شوستروجنایات ارتش تزاری در مشهد و تبریز در همین دوران اتفاق افتاد.

پادشاهی یوسفی ترکش دوز

... ستاره ای در این ایام پدید آمد که منتج تغییر و تبدیل پادشاه عصر بود. مقارن این حال یوسفی ترکش دوز و برادرش در ایجاد تصانیف داشتند آوردند. رأی این پترغلام جلال منجم در علاج آن ستاره برای این قرار گرفت که شخصی را پادشاه میباید کرد و چون چند روزی پادشاه باشد او را باید کشت تا اثر آن ستاره ظاهر شده باشد و کار خود را کرده باشد . بناء علیه یوسفی را در پنجشنبه هفتم ذیقعد (سال ۱۰۰۶) پادشاه ساخته و کلب آستان علی را (شاه عباس) از پادشاهی معزول گردانیدیم و رکن الدوله مسعود بدین مضمون قطعه ای گفته: شها توئی که در اسلام تیغ خونخوارت هزار ملحد چون یوسفی مسلمان کرد جهانیان همه رفتند پیش او به سجود دمی که حکم تو اش پادشاه ایران کرد نکرد سجده آدم بحکم حق شیطان ولی بحکم تو آدم سجود شیطان کرد و در یکشنبه دهم همین ماه یوسفی ترکش دوز را به طالعی که مقتضی بود به قتل آوردیم و شاه دین پناه بطالع مسعود به تخت سلطنت نشست و من بعد هر چه تفحص این ستاره کردند بنظر نیامد .

نقل از تاریخ خطی جلال منجم